یادداشت روز

ترکیه امروز، ترکیه فردا

رفتار و روند «ترکیه» طی ماه‌های اخیر به یک معما تبدیل شده است و به همین نسبت آینده آن نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. از این رو بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند ترکیه در دهلیز پرماجرایی قرار گرفته است. اما در اینجا سوال اساسی این است که این وضعیت دارای چه پیامدهایی است؟

حدود یک سال پیش- سوم آذر ۹۴- ارتش ترکیه یک جنگنده سوخوی ۲۴ متعلق به روسیه را در مناطق شمالی سوریه سرنگون کرد و پس از آنکه روسیه اعلام کرد که تحت شرایطی اقدام تلافی‌جویانه را به‌کار نخواهد گرفت، دولت اردوغان از آنچه رخ داده بود عذرخواهی کـــرد و گفت که چنین حادثه‌ای ناشـــی از یک خطای نظامی بوده و تکرار نخواهد شد.

در این ماجرا گمانه‌زنی‌های زیادی صورت گرفت و دولت به طور غیرمستقیم تلاش کرد تا اسقاط سوخو یک اقدام غیرحکومتی ناشی از بی‌دقتی ارتش تلقی شود و در یک موضع دیگر موضوع را به روابط خارجی ترکیه مرتبط کرد و به گونه‌ای پای دخالت ناتو را به میان کشید.

کمتر از هفت ماه پـــس از آن- ۲۵ خرداد ۹۵- دولت اردوغان با یک کودتای نظامی مواجه گردید ولی توانست تسلط خود را بر شرایط داخلی حفظ نماید.

ترکیه این بـــار هم تلاش کرد تا به موضوع جنبه‌ای جناحی داده و علاوه بر آن پای عناصر خارجی را به میان بکشد. کودتای نظامیان ترکیه سبب دستگیری بیش از ۴۰ هزار نفر از اعضای ارتش، قضات، معلمان و... شد و بر این اساس عده‌ای از ناظران نتیجه گرفتند که کودتا واقعیت خارجی ندارد و آنچه به عنوان کودتا معرفی شده است، ابتکار عملی هوشمندانه بوده که اردوغان از آن برای بهبود موقعیت داخلی خود و پیش بردن برنامه‌هایی که به نتیجه رســـاندن آنها بدون وارد کردن یک شوک بزرگ ممکن نیست، استفاده می‌کند.

بر اثر این کودتا روابط ترکیه و اروپا از یک‌سو و رابطه عربستان، امارات و... از ســـوی دیگر دچار ارتعاش شدید گردید. امروز اگرچه نزدیک به ۷ ماه از کودتای نافرجام ارتش گذشته است هنوز به صورت یک موجود فعال ادامه دارد کما اینکه هنوز دستگیری‌ها در ترکیه ادامه دارد. و بعضی از تحلیلگران معتقدند، کودتا در ترکیه شکست نخورده بلکه به تعویق افتاده است.

دولت ترکیه طی حدود یک ســـال گذشته تلاش زیادی کرد تا به بازتعریف نقش خود در سوریه دست یابد. حدود سه سال پس از آنکه رجب طیب اردوغان از لزوم برقراری منطقه «پرواز ممنوع» سخن گفت و نتوانست همراهی دیگران را برای تحقق آن بدست آورد و خود را نیز از تحقق آن عاجز می‌دانست، یگان‌هایی از ارتش خود را به سمت مناطق شمالی سوریه گسیل نمود. ارتش ترکیه در شمال غربی حلب مناطقی از کردها مثل اعزاز را به تصرف خود درآوردند اما نتوانستند بر شـــهر «الباب» واقع در شمال غرب حلب مسلط گردند. ترکیه در این منطقه با دو گروه بالنسبه قدرتمند- گروه کردی به رهبری صالح مسلم و گروه داعش- درگیر شد و در نهایت با عقب‌نشینی از الباب، ناتوانی خود را در چنین عملیات‌هایی نشان داد.

همزمان با اقدامات گسترده جبهه مقاومت و روسیه برای آزادسازی شهر حلب، دولت ترکیه به همراه دولت‌هایی نظیر آمریکا و انگلیس تلاش‌های خود را به کار بســـتند تا حلب آزاد نشود اما در عین حال آنکارا تلاش کرد تا از تمایل روسیه برای پررنگ کردن راه حل سیاسی سود جسته و در این روند به موقعیت ویژه‌ای دست پیدا کند. بر این اساس وزیر خارجه ترکیه فردای روز ترور شدن سفیر روسیه در آنکارا به مســـکو رفت و در کنار ایران و روسیه، توافق آتش‌بس مشروط را امضا کرد.

ترکیه با قرار گرفتن در کنار ایران و روسیه، وضعیت کشوری در حال تغییر سیاست خارجی را به تصویر کشید و از این رو بسیاری از تحلیلگران حضور آنکارا در کنار تهران و مسکو را یک تحول راهبردی در مناسبات خارجی ترکیه و در نتیجه در وضع منطقه ارزیابی کردند. ترکیه در عین حال با پذیرش رســـمی نمایندگی بخشی از گروه‌های تروریســـتی، تلاش کرد تا ضعف خود را در فعل و انفعالات منطقه‌ای با پذیرش نقشی تحقیرآمیز جبران نماید. اردوغان با تاکید بر اصلاح روابط آنکارا- مسکو و شرایطی که پس از سقوط سوخو و ترور «اندره کارلف» در فضای روانی میان دو کشـــور بـــه وجود آمده بود، تلاش کرد تا تضمینی برای ثبات سیاسی و اقتصادی خود پیدا کند چرا که کودتای خرداد ماه و مخالفت مجدد اتحادیه اروپا در راهیابی ترکیه به این سازمان اروپایی، تصویری از سیاست و اقتصاد لرزانی را برای ترکیه به وجود آورده بود.

اما درعین حال شرایط داخلی سوریه هرگز به‌گونه‌ای نیست که اردوغان یا پوتین بتوانند به تنهایی یا صرفاً با کمک یکدیگر مدیریت کـــرده و از آن برای خود یک موقعیـــت پرتابی پدید آورند. حملات شدید مطبوعات وابسته به اردوغان در ترکیه به ایران در حد فاصل اجلاس‌های مسکو و آستانه به خوبی بیانگر آن است که چاوش اوغلو وزیر خارجه ترکیه نتوانســـته است با قرار گرفتن در کنار «سرگئی لاورف» تغییری در پرستیژ و آوازه ترکیه پدید آورد.

توافقات مسکو و بخصوص آنچه به برقراری آتش‌بس در این کشور مربوط می‌شود اگرچه با رأی دو روز پیش شورای امنیت سازمان ملل به یک سند بین‌المللی هم تبدیل گردید ولی همه می‌دانند که در دو سوی ماجرای امنیتی و ضد امنیتی در سوریه، سازمان‌هایی قرار دارند که از قطعنامه‌های شورای امنیت و کشورهایی نظیر ترکیه و روسیه فرمان نمی‌گیرند. آنان که از تمامیت ارضی سوریه، مردم و دولت بشار اســـد حمایت می‌نمایند و به خصوص پس از آزادی حلب از سیطره تروریست‌ها به شدت تحت فشار روانی و تبلیغاتی رسانه‌های غربی، عربی و ترک قرار گرفته‌اند، هرگز از استراتژی «حفظ سوریه» دست برنمی‌دارند چه اینکه همین‌ها طی سال‌های گذشته تنها نیروهایی بودند که در مقابل تروریزم تحت‌الحمایه غرب ایستادند و سوریه را نجات دادند اگر ایران، حزب‌الله و گروه‌های دیگری نظیر دفاع وطنی، فاطمیون و زینبیون نبودند تا در مقابل تروریزم تکفیری بایستند و خطوط حمایتی کشورهایی نظیر آمریکا، ترکیه، عربستان، قطر و... بشکنند، امروز اساساً سوریه‌ای نبود تا روسیه و ترکیه را بر سر یک میز دور هم جمع کند.

بر این اســـاس می‌توان گفت سیاست چرخش از غرب به شرق و منطقه ترکیه اگر چه یک اقدام اصلاحی به حساب می‌آید اما در عین حال از آنجایی که با دامن زدن به تنش با بخش مهم‌تر منطقه یعنی جبهه مقاومت توأم شده است نمی‌تواند به دستاوردهایی که اردوغان به آن فکر می‌کند، منتهی شود. اردوغان گمان می‌کند پیوند با روسیه او را از بهبود روابط با ایران، عراق، سوریه، لبنان و... بی‌نیاز می‌کند و این درحالی است که روسیه اگر طی یکی- دو سال اخیر به موقعیت بهتری در منطقه دســـت پیدا کرده است از طریق قرار گرفتن در کنار جبهه مقاومت بوده است. حتی در سوریه، روس‌ها نمی‌توانند در یک خط موازی با ایران بر دولت و مردم ســـوریه اثر بگذارند چه اینکه دولت سوریه نمی‌خواهد در شرایط انتخاب بین روسیه و ایران قرار گیرد و به شهادت سخنان «ولید المعلم» وزیر امور خارجه و «علی مملوک» رئیس دستگاه امنیتی سوریه، ایران تنها طرف سوریه است که حضور و غیابش در یک اجلاس خارجی نظر دمشق را نشان می‌دهد.

ترکیه در عین حال از نظر داخلی نیز با وضع امنیتی بی‌ثباتی مواجه است انفجارهای پیاپی در شهرهای مختلف این کشور از اسلامبول که بر اثر تکرار به ترکیه وجهه یک کشور پرآشوب را داده است، از بی‌ثباتی رو به تزاید خبر می‌دهند و این موضوع قضاوت درباره وضع فردای این کشور را با دشواری مواجه کرده است و جالب این است که درست در شرایط تزاید ناامنی، اردوغان با جدیت، افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و تبدیل نظام سیاسی این کشور از پارلمانی به ریاستی و در واقع تغییر قانون اساســـی دیرپای ترکیه را که منشاء مناقشات زیادی در داخل است را دنبال می‌نماید. آنچه در درون جغرافیای همسایه شمال غربی ما می‌گذرد و آنچه از عملکرد خارجی حزب به ظاهر اسلام‌گرای ترکیه برمی‌آید، تصویر ترکیه را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

سعدالله زارعی

کیهان بررسی می‌کند

گزارش اقتصادی دولت کام حامیانش را هم شیرین نکرد

ردگیـــری بازتاب گفت‌وگوی تلویزیونی اخیر رئیس جمهور در رسانه‌ها نشان می‌دهد سخنان تکراری و وعده‌های قدیمی وی حتی نتوانسته است توجه حامیان دولت را هم جلب کند.

حســـن روحانی یکشنبه‌شب در دوازدهمین گفت‌وگـــوی تلویزیونی خود در برابر مردم ســـخنانی را بیان کـــرد که نه تنهـــا دردی از مردم دوا نکرد، حتی نتوانست در بین رسانه‌های همسوی دولت انعکاس قابل توجهی داشته باشد.

حرف‌های روحانی در برابر دوربین تلویزیون همچون ســـخنان ماه‌های گذشته وی پشت تریبون‌های محافل گوناگون، ضعیف بود به طوری که این بار حتی نتوانســـت جامعه را با روش حرف‌درمانی بـــرای چند صباح روی ریل امیدواری قرار دهد.

آمارهای رئیس جمهور آنچنان دور از ذهن بود که حتی تدبیر مشـــاوران ایشان برای کمک گرفتن از تصاویر و نمودارهای رنگارنگ هم نتوانست مردم را متقاعد کند که روحانی حرف‌های دقیقی می‌زند.

البته قرار نیست آمارهای رسمی اعلام شده از سوی دولت تکذیب شود و فرض بر صحت ادعای دولت است، اما چنانچه از اظهارات آحاد جامعه، چه مردم عادی و چه نخبگان اقتصادی و رسانه‌ای بر می‌آید، روحانی نتوانسته با حرف‌های خود آنان را نســـبت به وضعیت اقتصادی موجود، آنچنان که او تلاش می‌کرد به مـــردم بقبولاند، قانع کند.

در این بین آنچـــه بیش از همه به چشـــم آمد، ســـکوت رسانه‌های حامی دولت در برابر سخنان روحانی بـــود. گویا در ماه‌هـــای پایانی دولت یازدهـــم، آن‌ها کـــه روزی هر جمله نسبتا امیدوارکننده از لابلای سخنان رئیس جمهور را به تیتر و عکس اول خود تبدیل می‌کردند، متوجه شده‌اند که اگر قرار بود حرف‌های روحانی به نتیجه‌ای منتج شود، در سه سال و نیم گذشته می‌شد!

تیترهای «تقریبا هیچ»!

تیتر روزنامه‌های حامی دولت از ســـخنان رئیس جمهور، بیش از هر چیز یادآورهمان کلیـــدواژه «تقریبا هیچ» برای کارنامه دولت است.

«ســـخت‌گیری به شـــبکه‌های اجتماعـــی را کم کنیـــم»، «به آینده اقتصاد کشـــور بســـیار خوشبینیم»، «روحانـــی چه گفـــت و چه نگفت»، «مـــردم بدانند حقوق غیرمتعارف در دستگاه‌های دیگر هم هست»، «تلاش همگانی برای ایجاد اشتغال در کشور ضروریست»، «اگر برجام نبود، درآمد کشور کمتر از نصف می‌شد»، «تورم امسال و سال آینده تک‌رقمی خواهد مانـــد»، «بیـــکاری می‌تواند معضلی بسیار بزرگ برای جامعه باشد». این‌ها تعدادی از تیترهای روزنامه‌های حامی دولت بود که از وضع آنها پیداســـت چقدر از شـــور و هیجان بالایی برای توصیف برنامه‌هـــای دولت برخوردار بوده است!

این تیترهـــا را اگر جلوی فردی بگذارید کـــه از هویت گوینده مطلع نباشد، احتمالا آرزو می‌کند که؛ این فرد بســـیار دلسوز و آگاه به مشکلات مردم اســـت، بهتر است از او خواسته شـــود در انتخابات آینده کاندید شود تا با در دســـت گرفتن سکان ریاست جمهوری مشکلات مردم را یکی پس از دیگری حل کند، اما غافل از اینکه این حرف‌ها از دهان «رئیس دولت» صادر شده است! کســـی که سکان اجرایی کشـــور را نزدیک به چهار سال است در دست دارد ولی همچنان با نزدیک شـــدن به انتخابات بعدی، ترجیع‌بند حرف‌هایش انتقاد از دولت قبل است!

البتـــه حقیقتا نمی‌تـــوان به این نشریات خرده گرفت و لزومی نداشت آنها به گیرنده‌های خود دست بزنند، چرا که ایراد از فرســـتنده بود! به هر حال قرار بود معیار ســـنجش اوضاع اقتصادی جیب مردم باشـــد نه اینکه به جای دادن پاسخ‌های متقن و ارائه برنامه‌های منسجم برای حل مشکلات معیشتی، به حرف‌هایی مانند حقوق شهروندی و شبکه‌های اجتماعی و... بسنده شود و در پایان هم گفته شود که «به آینده اقتصاد کشـــور بســـیار خوشـــبینیم»! طبیعتـــا آن وعده‌های تکـــراری این تیترهای بی‌رمق را رقم خواهد زد.

«قصه بگو»!

گفت‌وگوی دوازدهم رئیس جمهور بـــا مردم آنچنـــان مـــلال‌آور بود که تندروترین رسانه‌های حامی وی هم می‌پرســـند «ای کاش این نشســـت برگزار نمی‌شـــد؛چرا کـــه اکنون که نشســـت فوق برگزار شده چه چیزی تفـــاوت کـــرده اســـت؟ ... در واقع از دل اظهارات رئیس جمهور اطلاعات جدیدی نمی‌شد یافت و کلهم اجمعین بر نکاتی دست گذاشته شد که همگی می‌دانستیم و می‌دانستند.»

و می‌افزایـــد: «حســـن روحانی بایستی توفیقات خود و تیم همراهش را در قصه‌هایـــی بگنجاند و با هیجان بیان نماید... شما در گوش مردم قصه زندگی و امید نجوا کنید. بسم‌الله. وقت تنگ است.»(!)

بله درســـت متوجه شده‌اید. کار به جایی رســـیده که حامیان دولت از رئیس جمهور می‌خواهند برای مردم «قصه» بگوید.

یکـــی دیگـــر هـــم می‌نویســـد: «گفت‌وگوی آقـــای رئیس‌جمهور با مجری‌های صدا و ســـیما انجام شد و ایشان در این رسانه حرف‌هایی زدند. پس از پایان این برنامه، به دنبال پاسخ این سوال بودم که اگر این برنامه انجام نشـــده بود، چه حرفی و چه اتفاقی و چه تاثیراتی از دســـت می‌رفت؟ چه شـــد که اگر نمی‌شـــد، دولت متضرر می‌گشت؟ واقعا کلیت این گفت‌وگو به چه دلیلی برگزار شد و چه سیاستی ورای آن بود؟»

البته دلیل روشن است. همان طور که نویسنده قبلی گفته است، رئیس جمهور باید قصه بگوید چرا که «وقت تنگ است» و انتخابات در پیش! چه اهمیتی دارد که مردم درگیر بیکاری و گرانی و رکود و... هستند؟ مهم این است که ایشان وقت را از دست نداده و برای مردم قصه بگوید!

تورم ساعتی نیست!

یکی از محورهای سخنان رئیس جمهور در ســـخنان یکشنبه‌شـــب، تورم بود. ایشـــان گفتند که «معنای اینکـــه می‌گوییم تـــورم کاهش پیدا کرده، ارزانی نیست. رشد کمتر شده و یعنی آرام‌تر دارد گران می‌شـــود و آهسته آهســـته گران می‌شود. یعنی روزانه گران نمی‌شـــود، ساعتی گران نمی‌شود.»

این حرف درست است که کاهش تورم به معنای کاهش قیمت‌ها نیست، اما واقعا ایشان انتظار داشتند قیمت‌ها ساعتی گران شوند و اینکه این اتفاق رخ نداده است را دستاورد خود تلقی می‌کنند؟

با این حال اگر برخی بازارها را رصد کنیم، بی‌راه نیست که بگوییم قیمت‌ها به صـــورت روزانه یا حتی ساعتی نوســـان می‌کنند. قبلا بازار ارز به ایـــن ویژگی که قیمت‌ها در طول روز مدام نوسان می‌کند شهره بود، اما حالا به قول قصاب‌های شهر، قیمت گوشـــت قرمز هم شده مثل نرخ ارز و لحظه‌ای تعیین می‌شود! اگر قیمت این قلم خوراکی هر کیلو ۵۰ هزار تومان باشـــد یا شانه تخم مرغ ۲ هزار تومان گران شـــود و... باز هم رواست که کاهش تورم را به این بهانه که آمار می‌گوید میانگین وزنی تورم مثلا ۳۸۵ قلم کالا ۷ یا ۸ درصد است، به عنوان دستاورد خود تلقی کنیم؟

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

کدام طرف؟!

گفت: یک روزنامه زنجیره‌ای نوشته است «برجام حق را از باطل جدا کرد»!

گفتم: کدام حق را از کدام باطل جدا کرد؟!

گفت: نوشته است «اگر برجام نبود امروز نه تنها تورم تک رقمی نشده بـــود بلکه احتمالا به حدود ۱۰۰ درصد می‌رســـید، اگر برجام نبود رشـــد اقتصـــادی منفی بود، اگر برجام نبود فعالیت هســـته‌ای ایران به رســـمیت شناخته نمی‌شد و...»!

گفتم: تورم را که آقای رئیس‌جمهور گفته اســـت ملاک آن جیب مردم است و با این حســـاب اگر قیمت کالا فقط دو برابر شده باشد، تورم ۱۰۰ درصد است و حال آن که ۵ تا ۶ برابر شده، رشد اقتصادی را هم می‌توان از رکود سنگین فهمید و تکلیف فعالیت هسته‌ای هم که با کنار گذاشتن ۱۰ هزار سانتریفیوژ و بتن‌ریزی اراک و تعطیلی تحقیق هسته‌ای در فردو به آسانی حدس زد که چه شده!

گفت: ایشـــان نتیجه گرفته که «برجام حق را از باطل جدا کرد و برجام ما را طلبکار آمریکا کرد».

گفتم: ما که از اول هم طلبکار آمریکا بودیم و آمریکا حاضر نبود بدهی خود را بدهد و حالا با نقض برجام پس از گرفتن امتیازات نقد بدهکاریش بیشتر هم شده است.

گفـــت: ظاهرا این زنجیره‌ای‌ها اصلا نمی‌دانند برجام چیســـت و چه اتفاقی افتاده است؟!

گفتم: از یارو پرســـیدند قبله کدام طرف است؟ و یارو که اهل این حرفها نبود پرسید؛ کجا آدرس داده‌اند؟!

زاکانی:

رئیس‌جمهور میزان سرمایه‌گذاری برخی وزرا در خارج کشور را اعلام کند

نماینده مجلس نهـــم با بیان اینکه ۹۰ درصد از ۱۰۸ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی کشور فقط در اختیار پنج درصد مردم است، مطرح کرد: این گروه باید به همگان معرفی شوند.

به گزارش فـــارس، علیرضا زاکانی در نشســـت سیاسی که در مسجد امام صادق(ع) واقع در منطقه فرهنگیان قم برگزار شد، رفع مشکل مردم را نیازمند برطرف کردن فســـاد دانســـت و افزود: میزان فســـاد در صندوق فرهنگیان بر اســـاس شـــنیده‌ها به ۱۲ هزار میلیارد تومان رســـیده و این مبلغ فقط به افراد نورچشـــمی پرداخت شده که در یکی از ایـــن موارد نزدیک بـــه ۸۰۰ میلیارد تومان با چند مـــورد چک و یک قطعه زمیـــن بی‌ارزش در اختیار یک فرد قرار گرفته است.

وی بـــا تاکید بـــر اینکه ۹۰ درصد از ۱۰۸ هزار میلیارد تومان تســـهیلات بانکی کشور فقط در اختیار پنج درصد مردم اســـت، مطرح کرد: این گروه باید به همگان معرفی شوند؛ رئیس‌جمهور که منشـــور حقوق شهروندی را مطرح کرده و آگاهـــی مـــردم را راهکار رفع مشکلات می‌داند، نباید فقط به سخن اکتفا کند بلکه به گفته‌های خود جامه عمل بپوشاند و میزان سرمایه‌گذاری وزرا در خارج از کشور را به مردم اعلام کند.

زاکانی اظهار داشت: اینکه برخی از وزرا به اصل ۱۴۲ قانون اساسی بی‌توجه بوده و اموال خود را به قوه قضاییه اعلام نکرده‌اند، نشان می‌دهد آنها سرمایه‌هایی دارند که از اعلام آنها نگران هستند.

نماینده ســـابق مجلس شـــورای اســـلامی با بیان اینکـــه عده‌ای به حق خودشان قانع نیستند، تأکید کرد: برخی نمی‌خواهند مشکلات مختلف کشور از جمله بیکاری رفع شـــود؛ در سال ۸۸ سران فتنه از کلینتون خواستند که مردم ایران را تحریم کند تا جنبش سبز ادامه داشته باشـــد. زاکانی خاطرنشان کرد: مشکلات کنونی کشاورزی کشور نشان می‌دهد که برخی نمی‌خواهند مردم این کشور مستقل باشند به همین علت برای افزایش واردات کشور، رانت‌ها و وابستگی به بیگانه تلاش می‌کنند.

وی رفع مشکلات اقتصادی کشور طی ۱۰۰ روز را نادرست و نشدنی خواند و گفت: بیکاری به عنوان مشکل نخست کشور در میان مردم قابل احساس است اما با این وجود برخی از داخلی‌ها برای ایجاد اشـــتغال در خارج از کشور تلاش می‌کنند و نسبت به بیکاری‌های داخل بی‌توجه هستند. زاکانی با طرح این سؤال که آیا کشوری که می‌تواند موشک بسازد قادر به ســـاخت اتومبیل نیست، افزود: برخی می‌خواهند این وابستگی‌ها باقی بماند؛ دولت با شـــرکت خودرو سازی فرانســـه وارد مذاکره شده اما متن این قرارداد به بهانه محرمانه بودن به هیئت مدیره ایران خودرو که شرکت صاحب سهم بوده، ارائه نشده است.

نماینده ســـابق مجلس شـــورای اســـلامی با بیان اینکه برخی از ســـران کشـــورها و شـــخصیت‌های برجسته از جمله آمریکای لاتین برای کشور خود از رهبر انقلاب اسلامی تدبیر می‌خواهند، مطرح کرد: در داخل کشـــور مسئولان اجرایی نسبت به ظرفیت ایشان بی‌توجه هستند.

خبر ویژه

گاردین: شدیدترین بهار عربی در انتظار عربستان است

روزنامه گاردین با اشاره به اوضاع نابسامان اقتصادی عربستان، پیش‌بینی کرد شدیدترین بهارهای عربی در راه است.

گاردین در ســـرمقاله دیروز خود نوشت: دلایلی که باعث وقوع انقلاب‌ها شد، تمام نشده، بلکه شدیدتر و وحشتناک‌تر شده است.

این روزنامه انگلیســـی افزود: اوضاع در مقایسه با سال ۲۰۱۱ میلادی قابلیت انفجار بیشـــتری دارد. اکثر کشورهای عربی در بحران‌های مختلف به سر می‌برند؛ به گونه‌ای که قیمت‌های نفت باعث خوردگی اقتصاد عربســـتان می‌شود و رهبری ضعیف در مصر پشت سر هم بحران‌زایی می‌کند.

این روزنامه نوشـــت: فساد در کشورهای عربی باعث هدر رفتن منابع هنگفتی شـــده است که بر اساس گزارش جدید ســـازمان ملل، این فساد در طول نیم قرن اخیر باعث هدر رفتن نزدیک به ۱۱ تریلیون دلار در کشورهای عربی شده است.

بی‌مبالاتی چندباره در دادن پاس گل به دشمن

«آخرین سخنان رئیس‌جمهور، گل زدن به دروازه خودی بود.»

داریوش سجادی همکار سابق نشریات اصلاح‌طلب نوشت: روحانی فاقد ادبیات متوقع در تراز ریاست‌جمهوری است. او در مصاحبه اخیر صدا و سیما گفت: «اگر برجام نبود ما با درآمدهای نفتی‌مان حداکثر می‌توانستیم با آن پول، حقوق ماهیانه کارمندان‌مـــان را پرداخت کنیم! چنین اظهاراتی قرینه بی‌مبالاتی قبلی ایشـــان است که در اوج مذاکرات اتمی با ابراز این مطلب که «خزانه خالی است» عملا تیم مذاکره‌کننده ایران را در مقابل ۵+۱ خلع ســـلاح کرد تا ایشان نیز به قوت بتوانند فضای مانور طرف ایرانی را محدود کنند با این گوشزد متوقع که؛ شما که خزانه‌تان خالی است حق ندارید در مذاکرات سخت‌سری کنید!

اکنون نیز معلوم نیست رئیس‌جمهوری که سال‌ها در بالاترین سطوح امنیتی عهده‌دار مســـئولیت بوده چگونه تا این اندازه فاقد حزم‌اندیشـــی است که با چنین اظهارات نســـنجیده‌ای در مقابل آنتن زنده تلویزیون، دست وزیر خارجه خودش را در مذاکرات آتی با ۵+۱ می‌بندد و طرف خارجی را در موضع تفوق قرار می‌دهد تا بتوانند به برکت پاس خودی «جناب روحانی» بر سر ایران منت بگذارند و مدیون بودن ایشان را به خود بابت توانمند کردن «دولت تدبیر و امید»! در تامین حقوق کارمندانش را به ایشان گوشزد کنند!

جناب آقای روحانی - آیا این است معنای ادعایتان درباره ۳ گل زده در مقابل ۲ گل خورده!؟

خیر جناب روحانی - به این نمی‌گویند «گل زده» و عنوان صحیح‌اش دســـته گل به آب دادن اســـت! اگر این «گل زده‌تان» است باز جای شکرش باقیست گل بیشتری نزدید!

جناب روحانی - حضرتعالی جمهور ایرانیان را نمایندگی می‌کنید و بر شـــما فرض است تا سخنگوی قابل وثوقی برای ایرانیان باشید تا از موضع اقتدار و با کلامی استوار بتوانید موجبات عزت ایرانیان در مقابل دشمن خارجی باشید!

جناب روحانی - ابجدخوانان دنیای سیاست هم می‌دانند در مواجهه با دشمنی که مترصد نخستین نقطه ضعف شماست و می‌گوید «ما برجام را پاره می‌کنیم»، شما نیز با زبان اقتدار گوشزد کنید؛ «اگر برجام را پاره کنید ما آن را آتش می‌زنیم» نه آن که خائفانه و از موضع ضعف و قابل شماتت بفرمایید؛ برجام نبود کارمندان‌مان هم بی‌حقوق می‌ماندند!

با این توصیف تصور می‌کنید دیگر وزیر خارجه‌تان روئی برای نشســـتن مقابل حریف و از توانی برای دفاع مقتدرانه از مواضع و منافع ملی ایران در مقابل دشمن بدسیرت برخوردار خواهد ماند؟

مگر آن که بپذیریم عامدانه به جای آن که موظف به انتقال فشار از داخل به خارج باشید می‌کوشید از طریق انتقال فشار خارجی به داخل اسب مراد خود را در زمین «لزوم تعامل با کدخدا» زین کنید!

گزارش البینه الجدیده از ارتباط خانوادگی بارزانی با اسرائیل

یک نماینده سابق پارلمان عراق فاش کرد بارها به همراه ملامصطفی و مسعود بارزانی به فلسطین اشغالی سفر کرده است.

محمـــود عثمان از نمایندگان کرد پارلمـــان عراق بوده، در مصاحبه با روزنامه عراقی البینةالجدیده، ضمن حمله به ســـردار ســـلیمانی به همراه ملامصطفی در ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳ میلادی دو بار به اســـرائیل ســـفر کردیم و با مسعود بارزانی نیز ۳ بار به ســـرزمین‌های اشغالی رفته‌ام، اما مسرور (پسر مسعود بارزانی) به طور مرتب به اسرائیل سفر می‌کند.

«عثمان» که به دلیل کهولت سن، چند سالی است از سیاست کناره‌گیری کرده و در لندن زندگی می‌کند، می‌گوید علت برقراری روابط با اسرائیل به منظور دریافت سلاح و همچنین ارتباط گرفتن با آمریکایی‌ها از طریق اسرائیلی‌ها بوده است. وی اعتراف کرد که سربازان اسرائیلی در آموزش نیروهای پیشمرگ کرد نقش داشته‌اند.

وی پیش‌تر در ۲۳ ژوئن ۲۰۰۴ نیز در گفت‌وگو با روزنامه «الشرق‌الاوسط» گفته بود اولین ســـفر او به اسرائیل به همراه ملامصطفی یک هفته به طول انجامید و طی آن سفر، با همه مقام‌های اسرائیلی دیدار و گفت‌وگو کردند.

وی افزود: در آن برهه تاریخی به دلیل رابطه رژیم شاه ایران با اسرائیل، نیروهای اسرائیلی در شمال عراق حضور داشتند اما با سقوط رژیم شاه، عملاً ارتباط کردستان عراق با اسرائیل قطع شد.

یکی از کارکنان دستگاه جاسوسی اسرائیل نیز چند سال قبل کتابی تحت عنوان «موساد در کردستان عراق» منتشر کرد که جزئیات روابط پنهانی خانواده بارزانی با موساد را فاش کرد.

بنویسید «افزایش بیکاران» بخوانید «افزایش مشارکت پس از برجام»!

یک سایت حامی دولت افزایش بیکاری در دولت یازدهم را به «کشاندن نیروی کار به بازار توسط برجام» تعبیر کرد!

خبر آن‌لاین که به معاون مطبوعاتی تعلق دارد، نوشـــت: «تمایل به پیدا کردن کار رو به افزایش اســـت؛ این موضوع را هم متولیان بازار کار، هم اقتصاددانان و هم آمارهای رسمی تایید می‌کند. بنا به گزارش مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی در کل کشـــور در تابستان امسال نسبت به تابستان سال گذشته ۱/۵ درصد افزایش یافته است. به عبارتی، نرخ مشارکت اقتصادی در تابستان امسال ۴۰/۴ درصد اعلام شده؛ این نرخ در بین مردان ۶۴/۹ درصد و زنان ۱۵/۹ درصد است.

نرخ مشارکت اقتصادی تا مدت‌ها روندی معکوس را طی می‌کرد، ولی بعد از برجام و امید به بهبود شرایط اقتصادی، این نرخ افزایش پیدا کرد تا برای نخستین‌بار در یک دهه گذشته به بیش از ۴۰ درصد برسد.»

این خبرگزاری ادامه می‌دهد: افزایش جمعیت مشـــارکت‌کننده اقتصادی بیانگر افزایش تمایل بخش‌های مختلف جامعه برای حضور فعالانه در اقتصاد است، ولی با این حال، به نظر می‌رسد در ایران و با افزایش فشارهای معیشتی به خانوار و همچنین امیدواری‌هایی که نسبت به اجرایی شدن برجام به وجود آمد، متقاضیان کار در کشور را افزایش داد. در این شرایط اما نرخ اشتغال کاهش و نرخ بیکاری افزایش یافته است. بنا به گزارش مرکز آمار ایران، نرخ اشتغال در تابستان ۱۳۹۵ نسبت به تابستان سال گذشـــته ۱/۸ درصد کاهش پیدا کرده و نرخ بیکاری ۱/۸ درصد افزایش یافته است. آمارها نشان می‌دهد نرخ بیکاری تابستان امسال ۱۲/۷ درصد بوده است.

خبر آن‌لاین این واقعیت را بازگو نکرده که سهم عمده افزایش جمعیت جویای کار، مربوط به بیکار شدن افراد دارای کار و همچنین دارای شغل معرفی کردن افرادی است که حتی در هفته کمتر از یک ساعت سر کار می‌روند!

رادیو اروپا: هیجان توافق تمام شد تحریم‌ها علیه ایران ادامه دارد

رادیو بین‌المللی «اروپا-۱» گزارش داد یک ســـال پس از اجرای توافق هسته‌ای، تحریم‌های اصلی علیه ایران همچنان ادامه دارد.

این رادیو در گزارشـــی تصریح کرد: بعد از امضای توافق، شـــرکت‌های فرانسوی نخستین شرکت‌ها در دنیا بودند که به یک‌باره به بازارهای ایران یورش بردند اما اکنون بعد از گذشت یک سال، شرکت‌های کوچک و متوسط فرانسوی تاکنون نتوانسته‌اند موقعیتی برای خود در ایران پیدا کنند. علت آن هم این است که بانک‌های فرانسوی با توجه به ادامه تحریم‌های آمریکا علیه ایران حاضر نیستند در ایران فعالیتی داشته باشند.

در ژانویه ســـال ۲۰۱۶ گروهی از صاحبان صنایع و روسای شرکت‌های فرانسوی تحت نظارت ســـازمان کارفرمایی جنبش شرکت‌های فرانسوی، (MEDEF)، وارد تهران شدند.

بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران سیاسی و اقتصادی بر این باور بودند که بعد از برداشته شدن تحریم‌ها، شرکت‌های فرانسوی قراردادهای بزرگی با ایران در زمینه‌های مختلف خواهند بست اما زمان مشخص کرد که اینگونه نشد.

اکنون تقریبا یک سال از آن تاریخ می‌گذرد و خبری از هیچ قرارداد مهمی برای شرکت‌های کوچک و متوسط فرانسه در میان نیست.

البته در این مدت قراردادهایی امضا شده است.

یکی از آنها قرارداد فروش هواپیماهای ایرباس به ایران است که ارزش آن براساس قیمت روی کاتالوگ به ۲۰ میلیارد دلار می‌رسد.

شـــرکت‌های پژو و رنو نیز موفق شده‌اند قراردادهایی با شرکت‌های خودروسازی ایران امضاء کنند اما تا زمانی که بانک‌های اروپایی نتوانند در ایران فعالیت داشـــته باشـــند و شرکت‌های ایرانی نتوانند از بانک‌های اروپایی فاینانس دریافت کنند عملا گشایش بزرگی رخ نداده است.

شرکت‌های کوچک و متوسط فرانسوی در شرایط کنونی تقریبا هیچ چشم‌اندازی برای خود در ایران متصور نیستند و علت اصلی آن نیز احتیاط بانک‌های فرانسوی از سرمایه‌گذاری مجدد در شرکت‌های ایران است.

مشـــکل این است که هیچ بانک فرانسوی حاضر نیست اجرای طرح‌های مورد نظر شرکت‌های فرانسوی در ایران را تامین مالی کند.

بانک‌های «سوســـیئته ژنرال» و «ب.ان.پ پاریبا» به روشـــنی اعلام کرده‌اند امکان ندارد ما به ایران برویم چرا که این بانکها هنوز جریمه‌های ســـنگین آمریکا را فراموش نکرده‌اند.

آمریکا برخی بانک‌های فرانســـوی را به علت همکاری با ایران میلیاردها دلار جریمه کرده بود و این میزان جریمه برای این بانکها کمرشکن بود.

آمریکا برخی تحریم‌ها را برای ۱۰ سال دیگر تمدید کرده است.

ماتیو اتورنو مدیرمرکز امور بازرگانی فرانسه در تهران دراین‌باره می‌گوید: بخش زیادی از تحریم‌ها علیه ایران همچنان ادامه دارد.

با توجه به این شرایط، برای شرکت‌ها و بانک‌های فرانسوی دشوار است بفهمند چه شرکت‌هایی واقعا در زمره تحریم‌های آمریکا قرار نمی‌گیرند.

هووتراشی اصلاح‌طلبان برای روحانی در انتخابات

در حالی که برخی اصلاح‌طلبان می‌گویند پای روحانی در انتخابات می‌مانند، عده‌ای دیگر می‌گویند هنوز به حمایت از روحانی نرســـیده‌اند و ممکن است نامزد دیگری را هم در نظر